



Comparison of Usufructuary and Financial Rights in Iranian Law with the Rulings of Judaism

Navabeh Qarakhloo Nareh'i

Master's Student, Department of Law, Faculty of Humanities, Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Mohammadjavad Sami *

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Mohammadreza Ghasemi

Department of Law, Faculty of Humanities, Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Abstract

Cultural congruities and contradictions in religious beliefs and practices have deep roots, and identifying such religious agreements and conflicts plays a vital role in fostering interactions among religious communities. Understanding these similarities and differences helps prevent major legal errors in both public and private law, promotes mutual development among religious societies, and contributes to the enhancement of shared legal frameworks. Accordingly, the purpose of this article is to examine usufruct rights in Iranian financial and economic law in comparison with the rulings of Judaism. This study investigates the types of usufruct rights in Islam and Iranian law. Since usufruct rights are not defined in Judaism as they are in Islam, the study uses related concepts such as charity, endowment, almsgiving, and *tzedakah* to explore the nature of usufruct. The research employs a descriptive-analytical method using a library-based approach. Findings indicate that Islam provides a clear definition of usufruct, along with its categories and conditions, while in Judaism, concepts like endowment, charitable giving, and *tzedakah* represent comparable constructs. These general ideas relate to usufruct or social justice, and each form of practice within these religions has specific conditions to ensure its effective implementation within the Jewish community.

Keywords: Judaism, Islam, Usufruct, Iranian law, financial law comparison

Received: 07/April/2025

Accepted: 31/May/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

تطبیق حقوق انتفاعی و مالی قوانین ایران با احکام دین یهود

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

نوابه قرخلو نره‌ای

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

محمدجواد سامی *

گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

محمدرضا قاسمی

چکیده

تناسب و تضادهای فرهنگی در باورهای دینی و آیین‌های مذهبی ریشه داشته و شناسایی تعارض‌ها و توافقات دینی، نقش مؤثری بر تعامل بین جوامع دینی ایفا می‌کند. شناخت این تعارض‌ها و مشترکات از بروز خطاهای عمده در حقوق عمومی و خصوصی جلوگیری کرده، موجب رشد فی‌مابین این جوامع دینی شده و در ارتقای قوانین مشترک بین آن‌ها کمک می‌نماید؛ بنابراین، هدف این مقاله، بررسی حق انتفاع در حقوق مالی و اقتصادی قوانین ایران با تطبیق احکام دین یهود است. این مطالعه به بررسی اقسام حق انتفاع در دین اسلام و حقوق ایران می‌پردازد. از آنجا که حق انتفاع در دین یهود به‌مانند دین اسلام تعریف نشده، از مفاهیمی مرتبط با عدالت اجتماعی همچون خیریه، وقف، صدقه و تزداکه برای بررسی ماهیت انتفاع استفاده گردیده است. مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و سبک کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعریف مشخصی از حق انتفاع و اقسام و شرایط آن در دین اسلام وجود داشته و در دین یهود می‌توان مفاهیمی چون وقف، انفاق و تزداکه (صدقه) را نام برد. این مفهوم کلی با حق انتفاع یا عدالت اجتماعی مرتبط مطرح است و هر یک از انواع مختلف این آیین‌ها شرایطی دارند تا بتوانند به بهترین صورت ممکن آن را در جامعه یهودیان پیاده کنند.

کلیدواژه‌ها: آیین یهود، اسلام، انتفاع، حقوق ایران، تطبیق حقوق مالی

مقدمه

حضور در جامعه و برقراری روابط اجتماعی برای انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است و بدون این تعاملات، زندگی فاقد هدف و معنا خواهد بود. وجود این روابط و آگاهی از حقوق مرتبط با آن‌ها می‌تواند به تأمین نیازها و بهبود شرایط مادی و معنوی افراد کمک کند. در دین اسلام، نیازهای افراد می‌تواند از طریق عقود مختلف به شکل حق انتفاع همانند حقوق سکنی، عمری، رقبی و همچنین در قالب مباحات، بخشش و عطا برطرف شود. از این رو، حقوق انتفاعی از جمله موضوعات مهمی است که اهمیت ویژه‌ای در زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد دارد. این حقوق به افراد امکان می‌دهد تا نیازهای دیگران را تأمین کرده و در زمان بحران بر اساس شروط موردنظر خود از آن‌ها بهره‌مند شوند. به‌عنوان مثال، حقوق انتفاعی می‌تواند شامل حق سکونت در خانه و مجموعه‌های عمومی، حق استفاده از اموال و تجهیزات دانشگاهی برای اساتید و حق بهره‌برداری از محیط‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و دانشجویان باشد. هدف این مطالعه، بررسی حق انتفاع و شناسایی آن در زمینه حقوق مالی و اقتصادی در قوانین ایران از طریق مقایسه با احکام دین یهود است. با توجه به ظهور مصادیق جدید و نوین در این حوزه و روشن شدن مشروعیت حق انتفاع، انتظار می‌رود فقها و حقوق‌دانان اسلامی و یهودی بتوانند معیاری مشخص برای انواع و احکام این حقوق در نظام‌های مالی و اقتصادی ایران و دین یهود ارائه دهند. شناسایی انواع حق انتفاع در این دو نظام دینی می‌تواند یاری‌گر پاسخگویی برای بسیاری از مسائل ناشناخته و پیش‌بینی آینده در حوزه حقوق مالی و اقتصادی باشد.

بیان مسئله

حق انتفاع از اصطلاحات کلیدی در علم حقوق بوده و به معنای حقی است که به موجب آن، یک فرد می‌تواند از مالی که متعلق به شخص دیگری است یا مالک مشخصی ندارد، استفاده کند. به‌عنوان مثال، اگر فردی به برادر نیازمند خود اجازه دهد که برای مدت معین یا نامحدود در ملک او سکونت کند و از منافع آن بهره‌برداری نماید، در این صورت، برادر فقط "حق بهره‌برداری" از ملک را خواهد داشت و مالکیت نسبت به اصل ملک به او منتقل نخواهد شد. به همین دلیل، شخص منتفع نمی‌تواند حق بهره‌برداری از ملک را به دیگران منتقل کند.

۱. حق انتفاع عمری: به مدت عمر فرد منتفع، مالک و یا شخص ثالث تعلق دارد. این نوع حق انتفاع می‌تواند به مدت‌زمان تعیین‌شده توسط مالک و یا تا زمان حیات شخص محدود شود.
۲. حق انتفاع رقبی: برای مدت‌زمان معین و به‌طور موقت به فردی واگذار می‌شود.
۳. حق انتفاع سکنی: برای استفاده از ملک به‌منظور سکونت اعطا می‌شود.
۴. حق انتفاع وقف: مربوط به اموال وقف‌شده است.
۵. حق انتفاع از مباحات: به اموال و منابع بدون مالکیت خاص تعلق می‌گیرد.

حق انتفاع عمری، بسته به مدت‌زمان زندگی شخص منتفع، مالک و یا شخص ثالث تعیین می‌شود. این نوع حق می‌تواند برای مدت معین توسط مالک مشخص شود و یا به‌طور کلی برای طول عمر فرد به‌طور نامحدود برقرار باشد. پذیرش این مفهوم به افراد جامعه این امکان را می‌دهد که بدون نگرانی از آینده و مشکلات مالی، به وقف اموال خود بپردازند (ابهری، ۱۳۹۷، ص ۴۸).

در قوانین اسلامی، حق انتفاع رقبی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در منابع فقهی شیعه، این حق به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های سکنی و از اقسام عطا یا معرفی شده است. برخی آن را به‌عنوان نوعی وقف می‌شناسند که فرد، ملکی را به‌طور موقت به دیگران وقف کرده و مدت‌زمان استفاده از آن را تعیین می‌کند. در مقابل، برخی دیگر آن را معادل عاریه‌ای با مدت‌زمان مشخص تلقی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۷). برخی آن را هبه دانسته‌اند؛ هبه شامل انتقال

عین ملک می‌شود؛ درحالی‌که رقبی تنها به انتقال منفعت اشاره دارد (صدوق، ۱۴۱۳؛ نجفی، ۱۳۹۳ ق). این عقد می‌تواند به‌طور هم‌زمان ویژگی‌های عمری، رقبی و سکنی را در بر گیرد (بحرانی، ۱۱۸۶، ص ۲۷۵).
تعریف جامع برای هر سه نوع عقد شامل انتقال رایگان منافع یک ملک مشخص به دیگری در یک بازه زمانی معین است. این مفهوم به‌طور گسترده‌ای توسط اکثر فقها پذیرفته شده است (حلی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۲؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۹). تفاوت بین عقود سکنی، رقبی و عمری این است که اگر عقدی شامل واژه "سکنی" باشد، تنها حق سکنی صادق خواهد بود، حتی اگر به زمان خاصی یا به عمر مالک یا سکونت‌کننده محدود شود. به همین ترتیب، اگر عقد شامل واژه‌های "رقبی" یا "عمری" باشد، تنها یکی از این دو نوع حق صادق خواهد بود (حلی، ۱۴۰۸، ص ۳۲۲؛ نجفی، ۱۴۱۲، ص ۱۳۶).

اهداف

- شناسایی مبانی حق انتفاع در حقوق مالی و اقتصادی قوانین ایران و احکام دین یهود
- مقایسه اقسام حق انتفاع و آسیب‌ها در حقوق مالی و اقتصادی اسلام و احکام دین یهود

سؤال اصلی

- چه اختلافی در حق انتفاع مالی و اقتصادی قوانین ایران و احکام دین یهود وجود دارد؟

سؤال فرعی

- وجوه افتراق اقسام حق انتفاع در حقوق مالی و اقتصادی ایران با احکام دین یهود از چه نوع بوده و کدام‌اند؟

فرضیه اصلی

- برخلاف حقوق مالی ایران، یهود مبانی متفاوتی را برای شناسایی حق انتفاع در حقوق، قوانین و سنن خود دارد.

فرضیه فرعی

- اقسام حق انتفاع در حقوق مالی و اقتصادی ایران، تفاوت‌های زیادی با احکام دین یهود دارد.

پیشینه تحقیق

شریف و جلالی (۱۳۹۹) در اثر خود تحت عنوان "کاوشی در ماهیت حق انتفاع و اسباب ایجاد آن"، قانون مدنی را به‌عنوان یکی از منابع مهم در بررسی حق انتفاع معرفی نموده و تأکید دارند که عقد وقف و عقود اجباس، ازجمله اسباب اصلی ایجاد این حق هستند. این مطالعه به بررسی دقیق عقد وقف و عقود اجباس در زمینه حق انتفاع پرداخته و از منظر حقوقی و مدنی، این موضوعات را تحلیل می‌کند.

ابهری و ظهوری (۱۳۹۷) در تحقیق خود به بررسی امکان بهره‌برداری واقف از عین موقوفه در فقه امامیه و قانون مدنی پرداختند. ویژگی بارز وقف، بر اساس تعاریف موجود در فقه و قانون مدنی، مصرف آن در امور خیر و خدمت به جامعه است. این تحقیق به‌طور خاص به بررسی مواردی پرداخته است که واقف به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از وقف بهره‌مند می‌شود و به بررسی نمونه‌های مختلف وقف که نفعی برای واقف به همراه دارد، پرداخته است.

مرادپورسردهایی و زارعی (۱۳۹۸) در تحقیق خود به بررسی تطبیقی حق انتفاع در فقه و حقوق ایران پرداختند. حق انتفاع به‌عنوان یکی از شاخه‌های مالکیت بوده که در این تحقیق، جنبه‌های مختلف قراردادهای مربوط به آن از جمله عمری، رقبی، سکنی و حبس مطلق و وقف مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه به تحلیل قراردادهای مرتبط با حق انتفاع پرداخته و به‌عنوان مبنایی برای مقایسه با سایر حقوق و ادیان استفاده می‌شود.

سلیمانی و فتح‌الهی (۱۳۹۷) در تحقیق خود به تحلیل حق انتفاع و انواع آن در نظام حقوقی ایران پرداختند. این پژوهش به بررسی مفاهیم و اقسام مختلف حق انتفاع پرداخته و مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی را که به حق تصرف و انتفاع از مالکیت و استثنائات قانونی مربوط می‌شود، بررسی می‌کند. تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و هدف آن، بررسی دقیق حق انتفاع در حقوق ایران است.

سامی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "گتوهای یهودی و تأثیر آن بر پذیرش پلورالیسم مسیحی"، به بررسی کتاب‌ها، اعتقادات و فرق یهودیان و همچنین، دوران اسارت بابلی که نقش مهمی در شکل‌گیری عقاید و مناسک دینی یهودی داشته، پرداخته‌اند. بدین ترتیب، چگونگی تأثیر سختگیری‌ها در دوران گتوها بر پذیرش پلورالیسم مسیحی، به‌نوعی نتیجه فشارهای تاریخی بر یهودیان بوده است.

تاریخچه و جمعیت دین یهود

یهودیت (به عبری: יהדות، Yahedut)، دین، فلسفه و روش زندگی قوم یهود است. یهودیت، نخستین دین ابراهیمی سازمان‌یافته یکتاپرست به‌شمار می‌رود. تورات به انضمام نویم و کتویم (تنخ)، کتاب یهود است. عمده یهودیان به سه شاخه اصلی ارتدوکس، لیبرال و محافظه‌کار تعلق دارند. جمعیت یهودیان جهان، ۱۳،۷۴۶،۱۰۰ نفر یا ۱۷،۹۳۶،۴۰۰ با احتساب افرادی که به‌طور رسمی به‌عنوان یهودی شناخته نمی‌شوند، معادل تقریبی ۰/۱۹ درصد از جمعیت جهان است که ۶/۱ میلیون نفر در اسرائیل، ۶/۸ میلیون در آمریکا و ۱/۵ میلیون نفر در اروپا زندگی می‌کنند. یهودیان ایران، تاریخچه ۲۷۰۰ ساله دارند. بر اساس آمار سال ۱۳۹۱، حدود ۷،۵۶۸ نفر از یهودیان در ایران زندگی می‌کنند (میر، ۲۰۰۱، ص ۴۵).

اعتقاد یهود

یهودیان به مشارکت فردی و جمعی در گفت‌وگو با خدا از طریق سنت‌ها، مناسک، دعاها و اعمال اخلاقی باور دارند و تنها یک خدا وجود دارد که با آن‌ها پیمان ویژه‌ای بسته است. خدا از طریق پیامبران، پیام‌ها را به مؤمنان منتقل کرده و به نیکی‌ها، پاداش بخشیده و بدی‌ها را مجازات می‌کند. آن‌ها معتقدند مسیح ظهور نکرده و روزی خواهد آمد (Ehrman, 2009, p. 148).

ده فرمان

۱- به خدا اعتقاد داشته باشید؛ ۲- جز او کسی را نپرستید و تصویری یا مجسمه‌ای را به‌عنوان خدا نسازید؛ ۳- نام خدا را بیهوده نبرید؛ ۴- شبات نگه دارید و روز هفتم استراحت کنید؛ ۵- به والدین خود احترام بگذارید؛ ۶- قتل نکنید؛ ۷- زنا نکنید؛ ۸- دزدی نکنید؛ ۹- شهادت دروغ ندهید؛ ۱۰- به مال دیگری حسد نوزید.

ملاک یهودی بودن

در یهودیت ارتودکس، اعتقاد بر این است که فرد به دنیا آمده از مادر یهودی، اگر به دینی دیگر بگراید، یهودی به حساب می‌آید. از نظر تاریخی، یهودیانی که به الحاد و بی‌دینی اعتراف می‌کنند، ممکن است با عنوان "حرم" (به

عبری: ۵۶۸) مواجهه شوند؛ اما این اعتراف موجب از دست رفتن هویت یهودی آن‌ها نخواهد شد. علاوه بر این، بر اساس باورهای یهودیان، آنوسیان (افرادی که به دلیل فشار یا اجبار به دین دیگری گرویده‌اند) و همچنین، فرزندان دختران آن‌ها یهودی محسوب می‌شوند.

تقسیمات سنتی و نژادی

- اشکنازی: یهودیانی که از اروپای شرقی و روسیه نشت گرفته‌اند.
- میزراهی: یهودیانی که ریشه‌های آن‌ها به خاورمیانه بازمی‌گردد.
- سفاردی: یهودیان ساکن نواحی مدیترانه‌ای در اروپا و شمال آفریقا، به‌ویژه مراکش.
- بتا اسرائیل: یهودیان اتیوپی که پوست تیره دارند.
- بنه روما: یهودیانی که از ایتالیا منشأ گرفته‌اند.

یهودیت معاصر

اسرائیل و فلسطین در مورد وضعیت بیت‌المقدس اختلاف نظر دارند. اسرائیل به‌عنوان پایتخت خود، ادعای حاکمیت بر کل شهر بیت‌المقدس را دارد؛ در حالی که فلسطینی‌ها، قدس شرقی را به‌عنوان پایتخت آینده کشور فلسطین در نظر می‌گیرند. آمریکا، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت می‌شناسد. در سال ۱۹۱۷، به دنبال تلاش‌های بریتانیا در جنگ جهانی اول برای جلب حمایت یهودیان، اعلامیه بالفور صادر شد که در آن وعده داده شد که یک خانه ملی برای یهودیان در فلسطین تحت کنترل عثمانی ایجاد شود (Philips, 2016, p. 51).

کتاب تورات

کتاب تورات به‌عنوان یک متن مقدس، بر دو دین بزرگ جهان، یهودیت و مسیحیت و همچنین دیگر مذاهب، تأثیر عمیقی گذاشته است. این کتاب به بیش از ۷۰۰ زبان ترجمه شده و با وجود عدم امکان دستیابی به آمار دقیق فروش، به‌طور عمومی به‌عنوان یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها شناخته می‌شود. به‌طور قطعی مشخص نیست که چه کسی متون مختلف تورات را نوشته و در چه زمانی و تحت چه شرایطی این نوشته‌ها به وجود آمده‌اند (Friedman, 2019, p. 16).

قوانین باستانی دین یهود

قوانین بنیادی یهودی که در متن تورات ثبت شده، با ده فرمان بر روی دو لوح سنگی حک شده با نام "احکام ده گانه موسی" شناخته می‌شوند. تورات (به‌جز هشت آیه آخر سفر تثنیه که مرگ و دفن موسی را توصیف می‌کند)، نوشته یوشع ابن نون است. خداوند خود را به ابراهیم، بنیان‌گذار یهود معرفی کرده است (Coogan, 2014).

تفاوت تورات و کتاب مقدس

کتاب مقدس و تورات، دو اصطلاح هستند که معانی مختلفی دارند. "کتاب مقدس" به کل مجموعه متون مقدس اشاره دارد که شامل تورات نیز می‌شود. به عبارت دیگر، این اصطلاح به تمام متون مقدس یهودیان اشاره دارد. در مقابل، "تورات" به‌طور خاص به پنج کتاب اول از این مجموعه اشاره دارد که در کتاب مقدس عبری آمده است و به تعلیمات اساسی دین یهود می‌پردازد (Fishbane, 1992, p. 412).

قوانین مورد استفاده در بین یهودیان

در سال ۱۹۸۰، اسرائیل قانون اورشلیم را به تصویب رساند که بر اساس آن، اورشلیم به‌عنوان "پایتخت واحد و کامل اسرائیل" معرفی شد. در اسرائیل، حدود ۸۱ درصد از بزرگ‌سالان به دین یهودیت معتقدند؛ درحالی‌که باقی‌مانده عمدتاً عرب بوده و از نظر مذهبی شامل مسلمانان (۱۴ درصد)، مسیحیان (۲ درصد) و دروزی‌ها (۲ درصد) هستند (Orogun, 2022).

یهودیان ایران

حضور یهودیان در ایران به بیش از سه هزار سال پیش برمی‌گردد و به دوره مهاجرت‌های اجباری از اسرائیل به آشور، بابل و مناطق غربی و مرکزی ایران مربوط می‌شود. این جامعه یهودی که ریشه‌های آن به دوران کتاب مقدس می‌رسد، یکی از قدیمی‌ترین و تاریخی‌ترین جوامع یهودی در سطح جهان محسوب می‌شود. از زمان کوروش، یهودیان در ایران حضور مستمر داشته‌اند. کوروش بزرگ با فتح بابل، یهودیان را از اسارت رها ساخت. یهودیان ایرانی از دوران اسارت بابل در قرن ششم قبل از میلاد، میراث فرهنگی خود را حفظ کرده و هویت قومی، زبانی و مذهبی خود را به‌خوبی نگه داشته‌اند. در طول تاریخ، آنان ارتباط نزدیک فرهنگی و دینی با سایر ایرانیان برقرار کرده و در سیاهکل در ماه رمضان به همراه مسلمانان روزه گرفته و در کردستان در مراسم صوفیان شرکت کرده‌اند. یهودیان، نقش فعالی در زندگی فرهنگی ایران داشته و هویت ایرانی خود را به رسمیت می‌شناسند (Cecolin, 2022).

جایگاه زنان در یهودیت

در برخی دیدگاه‌ها، انسان به‌عنوان تجلی کامل عالم هستی در نظر گرفته می‌شود (کهن، ۱۲۳۳، ص ۳۸)؛ درحالی‌که نگرش‌های متضادی نیز وجود دارد که زن را به‌عنوان موجودی ثانوی و کمتر از مرد معرفی می‌کند (آشتیانی، ۱۴۳۲، ص ۲۲۱). در سنت یهودی، زن به‌عنوان موجودی فرعی و وابسته به مرد قلمداد می‌شود. در تورات ذکر شده است که پس از آنکه آدم نتوانست همسری مناسب از میان موجودات زنده بیابد، خداوند او را به خواب برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت تا حوا را از آن بیافریند. به‌محض بیدار شدن، آدم متوجه شد که این موجود جدید، بخشی از بدن اوست (تورات، سفر تکوین، ص ۳۰).

حق تحصیل زن در یهود

در نگرش‌های یهودی، وظایف زن به خانه‌داری محدود می‌شود و تنها راهی که برای رسیدن به کمال او مطرح شده، تشویق شوهر و فرزندان به یادگیری تورات است؛ درحالی‌که خود او از تحصیل علم منع شده است. زنان به‌وسیله ارسال فرزندان‌شان به کنیسه و وادار کردن شوهرانشان به یادگیری قوانین دینی از عالمان، شایستگی و امتیاز کسب می‌کنند (تلمود، ۱۸۳).

در متون میشنا و تلمود، شاهد محدودیت‌های زیادی در این زمینه هستیم. دختران به مدرسه فرستاده نمی‌شدند و کسب علم برای آنان، به‌ویژه علم دینی، خطرناک تلقی می‌شد. باین‌حال، تدریس خصوصی به دختران مجاز بود (دورانت، ۱۲۱۸، ص ۱۳). تلمود نیز به‌صراحت اعلام کرده است که زنان از مطالعه و یادگیری تورات معاف هستند و برخی خاخام‌ها حتی بر این باورند که بهتر است کلمات تورات به آتش کشیده شود تا اینکه زنان از آن بهره‌مند شوند. به نظر آن‌ها، آموزش دختران به معنای ارتکاب به خطایی بزرگ است (شریف، ۱۳۹۹، ص ۱۲۳). این نگرش باعث

محدودیت زنان در زمینه‌های علمی شده که به‌وضوح از عدم پذیرش دختران در مدارس دینی مشخص است (المسیری، ۱۳۳۲، ص ۳۱۲).

حق مالکیت زن در یهود

در دیدگاه یهودی، وضعیت زن قبل از ازدواج تحت کنترل پدر و پس از ازدواج به‌عنوان مالکیت همسر در نظر گرفته می‌شود. اگر شوهر زن را در تملک خود دارد، آیا به همین صورت دارایی‌های او را نیز تصاحب نمی‌کند (سویدلر، ۱۰۸۱، صص ۲-۱۱۰)؟ زنان از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای محدود شده و نمی‌توانستند در مشاغل اجرایی یا قضایی فعالیت کنند (ادین اشتاین، ترجمه طالبی دارایی، ۱۳۳۲، ص ۳۱۲). علاوه بر این، زنان اجازه نداشتند در مراسم قربانی شرکت کنند. زنان از حق شهادت در محاکم قضایی محروم بودند و به دلیل اعتقاد علمای یهود که می‌پنداشتند زنان به دلیل لعنت‌های نه‌گانه ناشی از خطای حوا، صلاحیت شهادت ندارند. طبق تلمود، زنان به‌عنوان شاهدان قابل قبول نیستند (دورانت، ۱۳۳۷، ص ۳۰۱).

حق انتفاع

واژه "حقوق" جمع "حق" است. در زبان فارسی، "حق" به معنای تطابق، موافقت، وجود ثابت، صدق و برخلاف باطل و نادرست به کار می‌رود (جوهری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۶). ابن منظور در کتاب لسان‌العرب، "حق" را به‌عنوان نقیض باطل تعریف کرده است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۳۳۲). به‌علاوه، "حق" به معنای امتیاز یا منفعتی است که به فردی تعلق دارد و سیستم‌های حقوقی کشورها از آن دفاع می‌کنند، به او اجازه تصرف در موضوع حق را می‌دهند و دیگران را از تجاوز به آن منع می‌کنند. معمولاً این واژه برای اشاره به حقوق فردی یا شخصی استفاده می‌شود و در برابر "حقوق" که به احکام کلی اشاره دارد، به کار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۳۷۲). همچنین، مجموعه‌ای از مقرراتی که بر روابط افراد در یک جامعه در زمان خاصی تنظیم می‌کند، به معنای حقوق است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۷۵). در متون دینی، واژه "شریعت" به‌طور معادل با حقوق در نظر گرفته می‌شود، مانند "شرع موسی" یا "شرع اسلام" (لنگرودی، ۱۳۷۱، ص ۱۲). در آموزه‌های یهودی نیز اصطلاحاتی وجود دارد که معادل با قانون و شریعت هستند. به‌عنوان مثال، بسیاری از مناسک دینی مانند قربانی، وابسته به وجود معبد اورشلیم است و احکام کیفری نیز در بسیاری از موارد تنها در صورت وجود معبد به مرحله اجرا درمی‌آمدند (اشتاین‌سالز، ۱۳۸۳، صص ۱۹۰-۱۹۵). به‌طور کلی، در دیدگاه هر دو دین، منشأ حق به خداوند متعال نسبت داده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۷۵).

معنای لغوی و قرآنی انتفاع

در کتاب لغت، واژه "انتفاع" به معنای سود بردن یا استفاده کردن از چیزی است و از ریشه "نفع" به معنای بهره‌مندی و سودآوری است (حسینی بهسودی، ۱۴۱۷، ص ۵۲۲). در زبان عربی، واژه "انتفاع" از ریشه "انتفع" مشتق شده و به معنای بهره‌مند شدن و سود بردن از چیزی است (عمید، ۱۳۷۵، ماده انتفاع). همچنین، نفع به‌عنوان یکی از ویژگی‌های خلقت‌های الهی شناخته می‌شود و خداوند به‌عنوان خالق نفع و ضرر، خیر و شر را می‌آفریند (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۳۵۸، ماده نفع). نفع به معنای رسیدن به خیر است؛ بنابراین، نفع و خیر هم‌معنا محسوب می‌شوند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۵۰۲). به‌طور کلی، نفع به معنای ضد ضرر و زیان است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۵۰۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۳۵۸، ماده نفع؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۱۵۸؛ حسینی بهسودی، ۱۴۱۷، ص ۵۲۲). واژه "نفع" نیز به معنای منافع و

سودها از جمله "منفعت" و "منفعه" کاربرد دارد (ابن منظور، ۱۴۰۵، صص ۳۵۹-۳۵۸؛ هورینی فیروزآبادی، بی تا، ص ۸۹).

در قرآن، نفع و ضرر در مقابل یکدیگرند: ﴿وَلَا يَمْلِكُونَ لِنَفْسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا﴾ (الفرقان/۳)؛ ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا﴾ (الأعراف/۱۸۸)؛ ﴿لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ﴾ (المتحنه/۳)؛ ﴿وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ﴾ (سبأ/۲۳). همچنین، سوره رعد آیه ۱۶ و سوره مائده آیه ۷۶ (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۵۰۲).

می‌توان گفت: «حق انتفاع به معنای حقی است که بر اساس آن، فرد قادر است از مال یا منابعی که متعلق به شخص دیگری است، بهره‌برداری کند» (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷). در اصطلاح فقهی، حق انتفاع دو معنا دارد:

۱. حقی که به موجب آن، فرد می‌تواند از مالکیتی که به طور کامل متعلق به دیگری است، بهره‌برداری کند.
۲. استفاده و بهره‌برداری از منابع که ممکن است با موارد خاصی در ارتباط باشد (فتح‌اللهی، ۱۳۹۷، صص ۴۰-۷۴؛ ۱۴۰۵، ص ۹۱، ماده انتفاع).

معنای حق سکنی، عمری و حق رقبی

حق انتفاع شامل چهار قسم رقبی، سکنی، عمری و حبس مطلق است. هرگاه کلمه حبس بدون وصف به کار رود، شامل کلیه اقسام حق انتفاع به معنای خاص می‌شود (صفایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶).

در زبان عربی، واژه «سکن» به معنای مکانی است که فرد می‌تواند در آن اقامت کند و در جمع به «ساکن» تبدیل می‌شود. مفهوم «مسکن» به معنای خانه یا محل زندگی است (رازی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۴؛ فتح‌اللهی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۱). اصطلاح «سکنی» به معنای حق بهره‌برداری از یک مکان برای اقامت است (طریحی، ۱۴۰۸، ص ۳۹۵). واژه «عمری» به معنای مدت‌زمان زندگی است و همچنین به معنای قراردادی است که بر اساس آن، فرد می‌تواند از یک مکان یا شیء به مدت عمر خود یا فرد دیگر استفاده کند و با مرگ یا پایان مدت، آن مکان یا شیء به مالک اصلی یا وارث بازمی‌گردد (رازی، ۱۴۱۵، صص ۲۳۷-۲۳۸؛ طریحی، ۱۴۰۸، صص ۲۴۷-۲۴۹؛ هورینی فیروزآبادی، ص ۹۵). «عمری» به عنوان حق مالی برای استفاده به مدت عمر فرد مشخص است و با فوت صاحب حق، این حق از بین می‌رود (فاروقی، ۱۴۱۰، ص ۴۲۴). واژه «رقبی» از «رقب» به معنای انتظار گرفته شده است و نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن فرد مالک باید تا پایان مدت معین منتظر بماند. جمع آن «رقاب» است (رازی، ۱۴۱۵، ص ۱۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۴۲۶). به طور مثال، در قرآن کریم، واژه «رقب» به معنای انتظار بیان شده است: ﴿لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي﴾ (طه/۹۴)؛ انتظار سخن من را نداشتید (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۴۲۴). در بیان معانی اصطلاحات «عمری»، «رقبی» و «سکنی» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اختلاف معانی: اصطلاحات «عمرانی»، «رقبی» و «سکنی» به دلیل تفاوت در کاربرد واژه‌ها و اضافه‌ها، معانی مختلفی دارند. اگر قرارداد مربوط به استفاده از یک مکان به مدت عمر فرد باشد، به آن «عمرانی» گفته می‌شود؛ اگر به اقامت در مکان خاصی اشاره کند، به «سکنی» معروف است و اگر بر اساس مدت انتظار برای استفاده از ملک باشد، به «رقبی» اطلاق می‌شود. فقیهان معتقدند که «سکنی» شامل هر سه مفهوم می‌شود و در صورت نیاز می‌تواند به «عمرانی» یا «رقبی» تفکیک گردد (حلی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ص ۸۴؛ حلی، ۱۴۱۳، ص ۴۴۸؛ عاملی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۱)؛ بنابراین، اگر هر یک از این اصطلاحات به موضوع مسکن مربوط باشد، «سکنی» است؛ چه به طور مطلق باشد یا به مدت معین. در غیر این صورت می‌تواند «عمرانی» یا «رقبی» باشد.

۲. تفاوت معنایی: اگر اصطلاح «سکنی» به صورت مطلق یا برای مدت مشخص استفاده شود، به «سکنی» تعلق دارد و اگر به مدت عمر یا مدت معین اشاره کند، به «عمرانی» یا «رقبی» اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، اگر لغت «سکنی» به طور گسترده استفاده شود و یا برای مدت معین از آن استفاده گردد، «سکنی» گفته می‌شود؛ در حالی که اگر لغت «عمرانی» به کار رود، به مدت عمر فرد یا شخص دیگری تعلق دارد و اگر لغت «رقبی» استفاده شود، به معنای انتظار برای استفاده از ملک است (نجفی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۵). برخی علما نیز معتقدند که تفاوت‌های موجود میان این اصطلاحات به تفاوت‌های لفظی محدود می‌شود (حلی، ۱۴۱۵، ص ۳۳۳؛ نجفی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶).

أسباب حق انتفاع

به موجب ماده ۲۹ ق.م. «ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌های ذیل را دارا باشند: ۱- مالکیت (اعم از عین و منفعت)، ۲- حق انتفاع و ۳- حق ارتفاق»؛ بنابراین، بر اساس این ماده، تفکیک و تمییز بین اجاره و عقود موجد حق انتفاع دشوار نیست؛ زیرا اثر اجاره مالکیت منفعت است و در ذیل بند ۱ ماده ۲۹ جای می‌گیرد و اثر عقود موجد حق انتفاع همچون وقف و عمری و رقبی و سکنی، حق انتفاع بوده که مشمول بند ۲ ماده یادشده است. بر مبنای یک تقسیم‌بندی اساسی در فقه، نسبت و علاقه اعتباری افراد با اموال از دو حال خارج نیست: «مالکیت» و «حق» که از آن به علاقه ملکی و حقی یا اختصاص ملکی و حقی یا اضافه ملکی و حقی و تعابیری از این دست یاد شده است. به تعبیر محقق اصفهانی: «لا علاقه بالاضافه إلی المال إلا علاقه الملكية أو علاقه الحقیة» (محقق اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۱۸۵).

عملکرد قانون‌گذار در خصوص حق انتفاع

در زمینه حقوق مدنی ایران، اصطلاح «حق انتفاع»، به ویژه در بحث‌های مربوط به عقود مختلف، به طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادبیات حقوقی ایران، به ویژه در مورد حق انتفاع، توجه زیادی به تفکیک معانی اصطلاحات مختلف شده است. حق انتفاع در برخی منابع فقط به عقود خاصی مانند عقد عاریه اشاره دارد و کمتر به سایر عقود مربوطه پرداخته شده است (امامی، ۱۳۶۶؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴؛ صفایی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۶). برخی از پژوهشگران به این نکته اشاره کرده‌اند که نتیجه عقد عاریه با حق انتفاع یکی نیست و در نتیجه، تفاوت‌های بنیادینی میان این دو نوع عقد وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۸۲). این امر در حالی است که تعریف ماده ۴۰ قانون مدنی از حق انتفاع به گونه‌ای است که شامل عقد عاریه نیز می‌شود. تفاوت‌های اصلی میان عقد عاریه و دیگر عقود مانند عقد اجباس و وقف در نوع الزام و مجوز عقود است. طبق نظر برخی از اساتید حقوق، نتیجه عقد عاریه به معنای «اذن» است؛ در حالی که نتیجه عقد اجباس «حق» به شمار می‌آید و همین‌طور تفاوت‌ها در لزوم و جواز عقود نیز در این حوزه مطرح شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۸۲). به گفته دکتر کاتوزیان، تحلیل متفاوتی از حق انتفاع ارائه شده است که بر اساس آن، «اذن» در عقد عاریه به صورت موقت و قابل برگشت است؛ در حالی که «حق» به عنوان نوعی از ثبات و دوام در نظر گرفته می‌شود (ره‌پیک، ۱۳۸۷، ص ۸۵). برخی نتایج عقد عاریه و عقد اجباس، مشابه و متفاوت در لزوم و جواز عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۵).

تحلیل حق انتفاع

قانون مدنی، حق انتفاع را حقی دانسته که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند (ماده ۴۰ ق.م). در فقه بیش از آنکه تعبیر «حق انتفاع» شهرت داشته باشد، تعبیر

«مالکیت انتفاع» یا «ملک انتفاع» برای بیان این مفهوم شایع است. مراتب مالکیت به حسب متعلق آن و نیز از حیث شدت و ضعف به سه گونه تقسیم می‌شود: مالکیت عین (رقبه)، مالکیت منفعت و مالکیت انتفاع (شهید اول، ص ۳۴۸؛ نجم‌آبادی، ۱۴۲۱، ص ۵۱۶؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ص ۳۰۴؛ محقق اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۳۲).

ماهیت حق انتفاع

«در حالتی که کسی به دیگری اجازه بهره‌برداری از ملک خود را می‌دهد، این به معنای انتقال مالکیت یا قدرت نیست بلکه صرفاً امکان استفاده از ملک را به او داده است» (محقق اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۳۵). بر این اساس، در فقه سنتی، طبیعت حق انتفاع به گونه‌ای است که منتفع نمی‌تواند آن را به دیگران منتقل کند؛ چه به صورت عمری، رقب یا سکنایی (سیوری حلی، ۱۴۰۳، ص ۳۴۴) و یا حتی در وقفی عمومی (نجم‌آبادی، ۱۴۲۱، ص ۵۱۶). برخی از فقیهان معاصر نیز بر این نظرند که انتقال این حق به دیگری، به وسیله صاحب حق ممکن نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۶). این باور مطرح است که هر حقی قابل انتقال است و دلیلی برای ممنوعیت این انتقال ارائه نمی‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴؛ صفایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۲).

حق انتفاع در قانون مدنی

بررسی مقررات قانون مدنی در خصوص حق انتفاع نشان می‌دهد که این قانون، پنج روش مختلف برای ایجاد حق انتفاع شناسایی کرده است. این روش‌ها به شرح زیر هستند:

۱. ایقاع: به موجب اجازه صریح یا ضمنی مالک صورت می‌گیرد.
۲. عقد جایز: تحت عنوان حبس مطلق تنظیم می‌شود.
۳. عقد لازم: شامل عقود عمری، رقبی، سکنی و صلح است.
۴. شرط ضمن عقد: در قراردادهای بیع، اجاره یا صلح قابل درج است.
۵. قانون: به موجب حق انتفاع از مباحات قابل اجرا است.

ماده ۱۰۸ قانون مدنی تصریح می‌کند که: «در تمامی مواردی که انتفاع کسی از ملک دیگری تنها به واسطه اجازه محض صورت گرفته باشد، مالک می‌تواند هر زمان که بخواهد از این اجازه بازگردد؛ مگر اینکه مانع قانونی وجود داشته باشد». همچنین، ماده ۳۳۷ قانون مدنی بیان می‌کند که: «اگر کسی به موجب اجازه صریح یا ضمنی از مال دیگری استفاده کند، صاحب مال حق دریافت اجرت‌المثل را دارد؛ مگر اینکه ثابت شود که این اجازه به صورت مجانی بوده است». علاوه بر این، ماده ۱۲۰ قانون مدنی به این صورت ذکر شده است که: «اگر صاحب دیواری اجازه دهد که همسایه بر روی آن سرتیر یا بنا قرار دهد، او می‌تواند هر زمان که بخواهد از این اجازه بازگردد؛ مگر اینکه به طور قطعی حق خود را سلب کرده باشد».

برخی از صاحب‌نظران نیز معتقدند که حق انتفاع می‌تواند از طریق وصیت نیز برقرار شود؛ یعنی وصیت‌کننده می‌تواند عین مال را برای ورثه باقی بگذارد و حق انتفاع از آن را به شخص دیگری منتقل کند یا عین را به موصی‌له منتقل نماید و بهره‌برداری از آن را تا مدت معین برای ورثه حفظ کند (کاتوزیان، ۱۳۵۴:۱۹۶).

اسقاط حق انتفاع

برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که اسقاط حق انتفاع تأثیری ندارد؛ چراکه این حق به دلیل اجازه مالک ایجاد شده و این اجازه به طور مستمر و پایدار است؛ بنابراین، در قراردادهای سکنی، عمری و رقبی، مباح‌له قادر به اسقاط حق

انتفاع نخواهد بود. باین حال، اگر اجازه مالک به پایان برسد، اسقاط حق انتفاع می‌تواند امکان‌پذیر باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

از سوی دیگر، برخی از کارشناسان معتقدند، با توجه به اینکه عقود عمری، رقبی و سکنی از نوع عقود لازم هستند، هیچ‌یک از طرفین تا پایان مدت قرارداد نمی‌توانند آن را فسخ کنند. باین حال، طرفین می‌توانند با توافق متقابل، این عقود را به حالت اقاله درآورند (امامی، ۱۳۶۶، ص ۶۱).

همچنین، اگر در قرارداد انتفاع، حق فسخ برای مالک در شرایط خاصی پیش‌بینی شده باشد، این امر قابل اجرا خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۵۴، ص ۲۰۳).

عقد جایز و لازم

طبق ماده ۴۴ قانون مدنی، «اگر مالک مدت‌زمان خاصی برای حق انتفاع تعیین نکرده باشد، این حق به شکل حبس مطلق خواهد بود و تا زمان فوت مالک معتبر است؛ مگر اینکه مالک پیش از وفات خود از این اجازه بازگردد» (مواد ۴۴ و ۶۳۵ قانون مدنی). ممکن است موانع قانونی که مانع از رجوع مالک از اجازه خود در مورد حق انتفاع است، به شرح مواد ۶۱، ۹۵، ۹۷ و ۱۰۸ قانون مدنی باشد. این موانع ممکن است ناشی از اراده مالک یا توافق طرفین قرارداد انتفاع باشد؛ چه به‌طور صریح در قرارداد (ماده ۱۲۰ قانون مدنی) و چه به‌طور ضمنی از رضایت عملی مالک. به‌عنوان مثال، مالک اجازه دهد که همسایه بر روی دیوار ساختمان او سرتیر نصب کند و مخالفتی نسبت به آن نداشته باشد (موضوع ماده ۱۲۴ قانون مدنی).

بررسی حق انتفاع در یهود

کتاب مقدس عبری بر اهمیت کمک به نیازمندان تأکید دارد؛ اما برای بیان این تعهد از اصطلاح واحدی استفاده نمی‌کند. اصطلاحات "تزداکه" (صدقه) و "انفاق" مجموعاً ۱۵۷ بار در متن ماسوری دیده می‌شوند که معمولاً در زمینه «عدالت» به کار می‌روند. به‌طور کلی، این اصطلاحات به معنای عدالت فردی و اجتماعی استفاده می‌شوند و گاهی اوقات در قالب جمع مانند تزداکات یا صدقات نیز ظاهر می‌شوند که نشان‌دهنده عمل خیریه هستند. در میان یهودیان، باور بر این است که یهودیت، انفاق به شکل ناشناس را به‌عنوان بالاترین شکل خیریه می‌شناسد که نوعی از بشردوستی یهودی است و توسط فیلسوف معروف، موسی میمونیدس (۱۱۳۵-۱۲۰۴ میلادی) مورد تأیید قرار گرفته است.

تزداکه در ادبیات ربانی قرون وسطی و میانه یهود

۱- اعطای وام بدون بهره به فرد نیازمند؛ ۲- بخشش «در غم» (بخشیدن از روی ترحم): گمان می‌رود که منظور میمونیدس، بخشش به دلیل احساسات غم‌انگیزی است که ممکن است در دیدن افراد نیازمند به شخص دست دهد (برخلاف انفاق؛ زیرا این یک تکلیف دینی است). گائون ویلنا^۱ در نظر گرفت که تزداکه را با مزایای مالیاتی به همه خانوارهای شهرمان بدهد [دیویره ایشر هسلر^۲ (۱۸۱۷-۱۹۰۷)].

پوشکا

در خانه‌های یهودیان و کنیسه‌ها یک صندوق جمع‌آوری خیریه وجود دارد که پول نقد در آن قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه قبل از اینکه زن خانه، شمع‌های سبت خود را روشن کند. در شیکاگو در اوایل دهه ۱۹۰۰، "بسیاری از خانواده‌ها پوشکا یا ظروف کمک مالی را به‌عنوان وسیله‌ای مفید برای کمک دوره‌ای به اهداف ارزشمند نگهداری می‌کردند". کلمه لهستانی puszka به معنای قوطی حلبی است.

صدقه آیین یهود

بعضی از علمای یهود معتقدند که صدقه، بالاترین رتبه را در میان احکام دینی دارد و به‌تنهایی برابر با تمام احکام دیگر است. از نظر آن‌ها، یهودی که از پرداخت صدقه خودداری کند، به‌نوعی در حکم مشرک قرار می‌گیرد. به‌علاوه، صدقه دادن در کنار نماز (تفیلا) و توبه (تشیوا)، امری ضروری برای آمرزش گناهان به‌شمار می‌آید.

هر فردی که درآمد کسب می‌کند، موظف است مقداری از آن را به امور خیریه اختصاص دهد (۲۴۸: ۱؛ ۲۵۱: ۱۲ و ۲۵۳: ۸) و مقرراتی درباره حداقل مقدار آن نیز وجود دارد (۲۴۹: ۲). دادگاه ممکن است فردی را ملزم به پرداخت مقادیر معین برای صدقه کند (۲۴۸: ۱)؛ اما معمولاً یتیمان صغیر از این قاعده معاف هستند (۲۴۸: ۳) و انفاق از افرادی که خود فاقد دارایی هستند، پذیرفته نمی‌شود (۲۴۸: ۴-۶). صدقه‌ای که از غیر یهودیان داده می‌شود، قابل قبول است؛ اما اگر صدقه‌ای از یک یهودی در دسترس باشد، نباید از صدقه غیر یهودی استفاده کرد (۲۵۴: ۱-۲ و ۲۵۹: ۴). جامعه موظف است به حمایت از هر فرد نیازمند تا به اندازه‌ای که به آن عادت داشته است، بپردازد (۲۵۰: ۱-۴). همچنین، صدقه باید به فقیر یهودی نیز داده شود؛ اما لزومی به دادن صدقه به یهودیانی که به‌طور مداوم تورات را نقض می‌کنند، وجود ندارد (۲۵۱: ۱-۲).

پشتیبانی از بستگان یا همسایگان نیازمند در اولویت قرار دارد (۲۵۱: ۳-۵ و ۲۵۷: ۸، ۱۰) و سایر اولویت‌ها شامل گرسنگان (۲۵۱: ۷)، زنان (۲۵۱: ۸) و علما و افرادی با وراثت خوب (۲۵۱: ۹ و مراجعه به ۱۱) می‌شود. همچنین، نباید تمامی صدقه‌ها را به یک فقیر اختصاص داد (۲۵۷: ۹). آیین‌های خاصی در حمایت از کارکنان جامعه از صندوق‌های خیریه وجود دارد (۲۵۱: ۱۳). صدقه به اسیران نسبت به سایر اشکال خیریه اولویت دارد (۲۵۲: ۱-۳)؛ اما معمولاً پرداخت باج بیش‌ازحد یا تلاش برای نجات اسیران توصیه نمی‌شود (۲۵۲: ۴-۵).

وقف در دین یهود

مسائل مرتبط با وقف در دین یهود شامل موارد زیر است: ۱- وقف انسان و اصول آن؛ ۲- وقف زمین؛ ۳- وقف حیوانات؛ ۴- وقف محصول (منفعت)؛ ۵- وقف اشیاء (اموال منقول) و ۶- شبه وقف. بر اساس آموزه‌های تورات، نذر برای خداوند باید آن را بدون تأخیر اجرا کنید؛ زیرا عدم عمل به نذر در موعد مقرر موجب گناه در پیشگاه خداوند خواهد شد (تثنیه، ۲۳: ۲۱). مریم، عیسی (ع) را وقف معبد کرد. در تمدن‌های باستانی، نذر و وقف اسرا برای خدایان و معابد دیده می‌شود (آشتیانی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲).

عدالت و عمل صالح

در کتاب اشعیا، فصل ۵۷، قربانی و هدایای تقدیمی برای گمراهان و افراد فاسد بی‌فایده معرفی شده است (آشتیانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷)؛ در ادامه، تأکید شده که نباید به ظلم و بدرفتاری بپردازیم (ارمیا، ۲۲: ۳) و حقوق آن‌ها را نادیده بگیریم (ارمیا، ۷: ۶) یا آن‌ها را از حقوقشان محروم کنیم (تثنیه، ۲۴: ۱۷). در تورات گفته شده: خوشا به حال کسانی

که در اندیشه فقرا هستند؛ زیرا خداوند آنان را هنگام سختی نجات خواهد داد (مزامیر، ۴۱: ۱) (تثنیه، ۱۵: ۴). هرگاه یکی از اسرائیلیان در همسایگی تو فقیر و تنگدست شود، به او کمک نما و از پولی که به او قرض می‌دهی، سود نگیر (لاویان، ۲۵: ۳۷-۳۵؛ خروج؛ ۲۲: ۲۵). در ضمن، گروهی فرد فقیر را آنگاه که به آن نیاز دارد، نباید نزد خود نگه داشت (تثنیه، ۲۴: ۱۲).

وقف زمین و چهار پایان و منفعت

در سال پنجاهم، زمین باید به مالک اصلی‌اش بازگردد. با این همه، باید گفت قیمت‌ها باید مطابق نرخ رسمی تعیین گردند (لاویان، ۲۷: ۲۵-۱۴). وقف حیوانات، نخست‌زاده‌های نر حیوانات مانند گاو و گوسفند، به خداوند اختصاص دارند و باید به او تقدیم شوند. برای مثال، نخست‌زاده گاو نباید برای کار کشیدن استفاده شود و پشم نخست‌زاده گوسفند نیز نباید چیده شود (تثنیه، ۱۵: ۱۹). همچنین، ۱۰ درصد از گله و رمه به خداوند تعلق دارد؛ یعنی از میان هر ده حیوان، یکی به خداوند اختصاص می‌یابد. صاحب گله یا رمه نباید در مورد خوب یا بد بودن حیوان‌ها تحقیق کند و نباید حیوانات را مبادله کند. در صورتی که مبادله صورت گیرد، هر دو حیوان به خداوند تعلق می‌گیرند و دیگر حق خرید مجدد آن‌ها وجود ندارد (لاویان، ۲۷: ۳۲-۳۳). از آنجا که نخستین نوزاد هر حیوان، چه گاو و چه گوسفند، به خداوند اختصاص دارد، نمی‌توان آن را به طور مستقیم وقف کرد. البته، نوزاد حیوانات حرام را می‌توان با قیمت روز به علاوه ۲۰ درصد اضافه خریداری کرد و اگر خریداری نشود، می‌توان آن را به قیمت روز به فروش رساند (لاویان، ۲۷: ۲۶-۲۷). وقف منافع در راه خداوند صرف می‌شود؛ در حالی که اصل مال محفوظ بماند. هدف وقف، حفظ اصل سرمایه و استفاده از درآمد و منافع آن در امور خیریه است. در سال چهارم، تمامی محصول آن‌ها را برای شکرگزاری به خداوند وقف کنید (لاویان، ۱۹: ۲۳-۲۴).

در زمین‌های اسرائیل در سال هفتم دوره هفت‌ساله معروف به شمیطا یا سال شباتی (سال استراحت زمین)، تمام فعالیت‌های کشاورزی متوقف می‌شود (آترمن، پیشین، ص ۳۱۳). بر اساس کتاب مقدس، هر هفت سال یک بار باید به زمین استراحت دهید. نتیجه آنکه مفاهیم وقف عام و خاص (وقف ذری) که در آن فرد مال یا دارایی‌های خود را برای استفاده عمومی وقف می‌کند، به‌طور خاص به مسئله انتفاع مربوط می‌شود.

نقش وقف در آیین یهود و اجازه تأسیس شهرک‌ها

در دوران اشغال فلسطین توسط انگلیس، شهر اورشلیم به‌ویژه در دو بخش شرقی و غربی آن در مرکز توجه قرار گرفت. نقش بریتانیا در تسهیل فرآیند یهودی‌سازی این شهر، به‌ویژه با توجه به مهاجرت یهودیان و تصاحب اراضی، بسیار بارز بود. سیاست‌های سازمان شهرداری تحت حمایت بریتانیا به گونه‌ای بود که منافع و نیازهای اسکان یهودیان به‌طور چشمگیری مدنظر قرار می‌گرفت. یهودی‌سازی اورشلیم از زمان ورود ژنرال آلبنی و در دوران سلطه بریتانیا آغاز شد و معمار مک‌لین که معمار شهر اسکندریه نیز بود، نقشه‌های ساختاری اولیه اورشلیم و استانداردهای آن را طراحی کرد.

تعداد مهاجران یهودی که به فلسطین وارد شدند، از ۱۸۰۶ نفر در سال ۱۹۱۹ به ۸۲۲۳ نفر در سال ۱۹۲۰ و به ترتیب به ۱۳۸۹۲ نفر در سال ۱۹۲۴، ۳۴۳۸۶ نفر در سال ۱۹۲۵، ۳۷۳۳۷ نفر در سال ۱۹۳۳ و در نهایت به ۶۱۹۴۳۲ نفر در اورشلیم در سال‌های بعد افزایش یافت. این تغییرات، به‌ویژه پس از بیانیه بالفور و قوانین قیمومیت، منجر به بروز تنش‌های تاریخی میان یهودیان و اعراب شد که اثرات آن تا به امروز ادامه دارد و به از دست رفتن تسلط سیاسی فلسطین انجامید. یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز در مورد پناهندگان فلسطینی که اراضی آن‌ها در عمل به کنترل «اسرائیل»

درآمده است، همچنان به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی نزاع میان «اسرائیل» و کشورهای عربی باقی مانده است (کندال، ۱۹۴۸، ص ۱۲۴). موقوفه‌های دینی توسط مالکین در زمان حیات یا پس از وفات آن‌ها طبق اراده‌شان صورت می‌گیرد. از دیدگاه هلاچا، برای به عمل آوردن وقف، نیازی به انتقال فیزیکی مال نیست بلکه کافی است که شخص اعلام کند که قصد دارد این مال را وقف کند تا آن مال به‌طور کامل از مالکیت او خارج شود و به‌عنوان وقف شناخته شود (رساله نذر، صفحه ۷، ماده ۲). شزل توضیح می‌دهد که این حلاچه به‌طور خاص در مورد وقف معابد مورد اختلاف بود؛ اما در سایر موارد خیریه نیز از نظر هلاچا معتبر است و می‌گوید: «این حلاچه به بلندای عوام گفته می‌شد» (رساله نذر، ص ۷). برخی معتقدند که صرف نیت مکادش برای خارج کردن مال از مالکیت خصوصی به‌عنوان وقف کافی است (آشر، ۱۹۵۹، ص ۱۳).

شخصیت‌های مذهبی مرتبط با وقف در بین یهودیان

الی و ادیث برود^۱: برودز، میلیون‌ها دلار از طریق بنیاد براد را برای بهبود آموزش عمومی شهری اهدا کرده است. الی براد، تحصیلات خود در مدارس دولتی دیترویت را به خاطر فراهم کردن ابزارهای موفقیت در اختیار او می‌داند. دورا دونر اید^۲: دختر نیکوکار ویلیام اچ. دانر بود و ۱۱۱ میلیون دلار به مؤسسه خیریه ملی هنر، دانشگاهی و بهداشت وصیت کرد.

خاخام موسی میمونیدس^۳: محقق حقوقی و پزشک مشهور، رویکرد هشت مرحله‌ای از درجات تزداکه را ایجاد کرد.

ادموند سافرا^۴: سافرا که فوربس، آن را یکی از ۲۰۰ مرد ثروتمند برتر توصیف می‌کند، در سن ۶۷ سالگی درگذشت. او مبالغ زیادی را به دانشگاه عبری در بالتیمور، مرلند و به تحقیقات بیماری پارکینسون اهدا کرد. لارنس تیش^۵: تیش، یک میلیاردر خودساخته، همراه با برادرش پرستون، یک شرکت تجاری گسترده ایجاد کرد. جودا تورو^۶ (۱۷۷۵-۱۸۵۴): وی ثروت زیادی در بخش کشتی‌های بخار و املاک و مستغلات به دست آورد. او وصیت‌نامه خود برای مؤسسات یهودی و غیر یهودی سهام فراوانی به جای گذاشت (کتابخانه‌های دانشگاه آتلانتیک فلوریدا، ۲۰۰۲).

حق انتفاع در اسلام و یهود (حقوق وقفی)

یهودیت، یک نزدیکی تاریخی و اعتقادی با مسیحیت و اسلام دارد. این سه دین به حضرت ابراهیم (ع) نسبت داده می‌شوند و به همین دلیل به "ادیان ابراهیمی" معروف‌اند. همچنین، از آنجا که همه این ادیان به خدای یگانه اعتقاد دارند، گاه به آن‌ها "ادیان توحیدی" نیز گفته می‌شود (توین بی، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

با وجود این، رابطه یهودیت با مسیحیت و اسلام به یک اندازه مشابه نیست. مسیحیت به‌عنوان دینی که از یهودیت نشئت گرفته، دارای ارتباط نزدیکی با آن است. پیروان عیسی ناصری (ع) او را به‌عنوان مسیح موعود که در متون عبری به ظهور او اشاره شده، پذیرفتند. در آغاز، پیروان عیسی (ع) به‌عنوان یک فرقه در میان یهودیان شناخته می‌شدند و کتاب مقدس عبری را کامل پذیرفتند و آن را "عهد قدیم" نامیدند (دانیلو، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷)؛ اما دین اسلام، هرچند که تاریخ یهود را به رسمیت می‌شناسد، به تمامی آموزه‌ها و متون یهودی در شکل کنونی آن تأکید نمی‌کند. با این حال،

1. Eli and Edythe Broad
2. Dora Donner Ide
3. Rabbi Moses Maimonides
4. Edmond Safra
5. Laurence Tisch
6. Judah Touro

این دو دین در زمینه شریعت دارای شباهت‌های زیادی هستند؛ به طوری که شریعت، نقش و اهمیت بی‌سابقه‌ای در این دو دین دارد. این شباهت‌ها در احکام شریعت، فرصت مناسبی برای مطالعات تطبیقی را فراهم می‌آورد (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

بررسی حق انتفاع در دین اسلام و یهود

با توجه به مبانی فقهی و حقوقی ایران، حق انتفاع به معنای استفاده از یک شیء مادی است که دارای عینیت مشخصی بوده و مالک خاصی ندارد. فردی که از این حق برخوردار است، می‌تواند از شیء استفاده کند. در دین یهود، مفهومی دقیقاً مشابه حق انتفاع وجود ندارد. باین حال، اصطلاحاتی چون "میتزو" که به بخشش سهمی از مال اشاره دارد و "ترداکه" که به مفهوم صدقه دادن با آیین‌ها و موضوعات مختلف پرداخته، دارای اهمیت ویژه‌ای هستند و اصول و اهداف آن‌ها شباهت‌هایی با صدقه در اسلام دارند. تفاوت اصلی بین حق انتفاع در اسلام و مفهوم مشابه در دین یهود به نحوه استفاده و مالکیت مربوط می‌شود. در اسلام، فرد می‌تواند از تمامی حقوق مالکیتی که بر اساس شرایط مشخص به او داده شده، بهره‌برداری کند؛ اما اگر محصولی از این حق انتفاع به دست آید، فرد نمی‌تواند از آن بهره‌برداری کند. در مقابل، افراد در دین یهود، به طور کلی مالکیت زمین را ندارند؛ اما هر هفت سال یک بار مجازند به طور کامل از محصولات آن استفاده کنند. در مقایسه با شرایط خیریه در هر دو دین، تفاوت‌ها بیشتر به نحوه تقسیم‌بندی حق انتفاع مربوط می‌شود. باین حال، کمک‌های خیریه و وقفی، شباهت‌های زیادی در هر دو دین دارند و تفاوت‌های عمده‌ای در نحوه انتفاع مشاهده نمی‌شود. تفاوت بارز بین دین یهود و اسلام در نحوه تقسیم‌بندی حق انتفاع است که در قوانین مختلف ذکر شده است. در دین یهود، حق انتفاع به شکل‌هایی چون "ترداکه" یا صدقه تعریف می‌شود که شامل احکام و فرامین مختلف مذهبی است؛ از جمله الزامی که برای آزادسازی فرزند ذکور اول یا حیوانات وجود دارد که باید با پرداخت مبلغی از نقره به کاهن یا خاخام یهودی انجام شود تا از این قید آزاد گردد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال شناسایی مبانی حق انتفاع در حقوق مالی و اقتصادی قوانین ایران و احکام دین یهود است. در این راستا، فرضیه‌هایی در دین اسلام مطرح شده که حق انتفاع دارای چارچوب مشخصی است و یکی از ارکان حق انتفاع وقف است که مطالب گوناگونی در زمینه آن وجود دارد و می‌تواند شامل هر موضوعی شود. در صورتی که فردی یا مکانی از حقوق وقفی بهره‌مند شود، قابلیت بازپس‌گیری برای ورثه آن وجود ندارد و به حکومت تعلق دارد؛ مگر اینکه کسی قصد خرید آن را از حکومت داشته باشد و شرایط برای فروش آن مهیا باشد.

وقف در دین یهود نیز به خوبی واکاوی شده و مشخص است که مالی که به وقف داده می‌شود، دیگر به وقف‌کننده تعلق نداشته و در اختیار مجامع یهودی بوده و در صورتی می‌تواند آن را باز پس بگیرد که معادل ۲۰ درصد بالاتر از ارزش واقعی آن به مجتمع پرداخت کند. به طور کلی، می‌توان گفت که قوانین حق انتفاع وقفی در دین اسلام و قانون ایران، ارتباط نزدیکی با احکام یهودی داشته و فقط تفاوت‌هایی در جزئیات و شرایط بازپس‌گیری اوقاف وجود دارد؛ به طوری که شرایط واضحی برای آن در قانون ایران مطرح شده است. در یهود که حکم مستقلی برای مردم دارد، حق انتفاع سه قسم حق انتفاع عمری، حق انتفاع رقبی و حق انتفاع سکنی؛ ب: حق انتفاع وقف و ج: حق انتفاع از مباحات است. حق انتفاع عمری به مدت عمر منتفع، مالک و یا ثالث مرتبط بوده و مدت معلومی است که توسط مالک قید می‌شود. با توجه به تبیین فرضیه‌های مطرح شده، به طوری کلی باید بیان کرد دین یهود و دین اسلام از نظر خیریه و انتفاع به هم نزدیک هستند و حتی موضوعاتی مانند صدقه را از ترداکه عبری دریافت کرده‌اند. می‌توان گفت برخی

از آیین و احکام دین یهودی به‌صراحت در دین اسلام وجود دارد. اهداف کلی هر دو دین، تقویت رفاه اجتماعی و توانمندسازی افراد است. در بین یهودیان سراسر دنیا نیز این باور رفاه اجتماعی به نفع سایر یهودیان به شیوه‌های مختلف اجرا می‌شود و همه یهودیان تلاش می‌کنند تا به‌خوبی به تقویت جامعه خود پردازند. در خصوص حق انتفاع از نظر لغوی تفاوت اساسی وجود دارد؛ اما از نظر کارکرد و مفهوم حق انتفاع دین یهود و اسلام، شرایطی یکسان داشته؛ ولی در جزئیات تفاوت دارند.

منابع

قرآن کریم.

- کتاب مقدس. (۲۰۰۲). *کهن، عهد عتیق و عهد جدید*. تهران: انتشارات ایلام.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۸ ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی بیروت.
- ابهری، حمید، و ظهوری، سمیه. (۱۳۹۷). بررسی امکان انتفاع واقف از عین موقوفه در فقه امامیه و قانون مدنی. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۸(۱)، ۲۱-۳۸.
- آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۸۲). *تحقیقی در دین یهود (ویراست دوم)*. نشر تهران.
- اصفهان‌ئی (کمپانی)، محمدحسین. (۱۴۱۸ ق.). *حاشیه المکاسب*. قم: أنوارالمهدی.
- اصفهان‌ئی، سید ابوالحسن. (۱۴۲۲ ق.). *وسیلہ النجاه*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امامی، سید حسن. (۱۳۶۶). *حقوق مدنی (جلد ۱)*. تهران: انتشارات اسلامی.
- آترمن، الن. (۱۳۹۴). *باورها و آیین‌های یهودی*. نشر دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بحرالعلوم، سید محمد. (۱۴۰۳ ق.). *بلغه الفقیه*. قم: مکتبه الصادق.
- بحرانی، الشیخ یوسف. (۱۱۸۶ ق.). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- توین بی، آرنولد. (۱۳۸۵). *تاریخ تمدن (ترجمه یعقوب آژنگ)*. تهران: انتشارات مولی.
- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (الشهید الثانی). (۱۴۱۴ ق.). *مسالك الافهام (چاپ اول)*. نشر مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۸). *حقوق اموال*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۱). *حقوق اموال*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۲). *محشای قانون مدنی*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵ ش.). *فلسفه حقوق بشر*. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۶۸ ش.). *الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه (ذیل واژه «حق»)*. چاپ احمد عبد الغفور عطار. بیروت: چاپ افست تهران.
- حسینی بهسودی، سید محمد سرور واعظ. (۱۴۱۷ ق.). *مصباح الأصول (چاپ پنجم)*. قم: مکتبه الداوری.
- حلی، ابو منصور. (۱۳۸۹ ق.). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*. مشهد: مؤسسه آل‌ال‌بیت ع.
- حلی، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی). (۱۴۱۵ ق.). *مختلف الشیعه (چاپ اول)*. قم: ناشر مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری. (۱۴۰۸ ق.). *نضد القواعد الفقهیه*. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- دورانت، ویل. (۱۳۳۷). *تاریخ تمدن*. تهران: نشر فارسی، نشریه علمی فرهنگی.
- رازی حصاص، ابی بکر أحمد بن علی. (۱۴۱۵ ق.). *أحكام القرآن (چاپ اول)*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهان‌ئی، ابوالقاسم الحسین بن محمد. (۱۴۰۴ ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. دفتر نشر کتاب.
- ره پیک، حسن. (۱۳۸۷ ش.). *عقود معین (جلد ۲)*. تهران: خرسندی.

- سامی، محمدجواد. (۱۳۹۷). گتوهای یهودی علت پذیرش پلورالیسم مسیحی. *نشریه نقش جهان دانشگاه اصفهان*، ۱۰(۴).
- سلیمانی، ایران، و فتح‌الهی، فرید. (۱۳۹۷). *حق انتفاع و اقسام آن در نظام حقوقی ایران کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت*. کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی، ارومیه.
- الشریف، محمد مهدی، و جلالی، مریم. (۱۳۹۹). کاوشی در ماهیت حق انتفاع و اسباب ایجاد آن. *مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)*، ۱(۵۰)، ۱-۲۰.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق.). *من لایحضره الفقیه (محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۸۲). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (اشخاص و اموال)*. تهران: میزان.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۱۴ ق.). *تکمله العروه الوثقی*. قم: نشر کتاب فروشی داوری.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸ ق.). *مجمع البحرین (تحقیق: السید احمد حسینی)*. چاپ مکتب نشرالاسلامیه.
- عاملی جبعی، علی بن احمد. (۱۴۱۳). *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
- عمید، حسین. (۱۳۷۵ ش.). *فرهنگ لغت عمید (چاپ هشتم)*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فاروقی، حارث سلیمان. (۱۴۱۰ ق.). *المعجم القانوني (چاپ دوم)*. بیروت: ناشر مکتبه.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد. (۱۴۰۹). *العین، مهدی مخزومی و ال عصفور*. بیروت: مؤسسه دارالهجرت.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال*. تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت) (چاپ ۱۹)*. تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲ ش.). *عقود معین (جلد ۴)*. تهران: گنج دانش.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. تهران: المکتبه‌اسلامیه.
- محقق اصفهانی، سید ابوالحسن. (۱۴۱۸ ق.). *وسيله النجاه*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق.). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (تحقیق و تصحیح عبدالحسین محمدعلی بقال، چاپ دوم)*. قم: اسماعیلیان.
- مرادپور سردهای، ا. و زارعی، س. (۱۳۹۸). *بررسی تطبیقی حق انتفاع در فقه و حقوق ایران*. نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز.
- المسیری، عبدالوهاب. (۱۳۸۳). *دایره‌المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*. تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). *تحریر الوسیله (چاپ سوم)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۸). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (تحقیق: الشیخ علی الآخوندی، چاپ سوم)*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۹۴). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۱۲). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۳۰). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نجم‌آبادی، میرزا ابوالفضل. (۱۴۲۱ ق.). *الرسائل الفقهیه*. قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلام.
- هورینی فیروزآبادی شیرازی، مجتهدالدین محمد بن یعقوب. (بی تا). *القاموس المحیط*. بیروت: دارالعلم.
- Ben-David, R. Y. (2007). *Shmita*. Ynetnews.
- Bracha, B. (1978). Restriction of personal freedom without due process of law according to the Defence (Emergency) Regulations, 1945. In *Israel Yearbook on Human Rights, Volume 8 (1978)* (pp. 296-323). Brill Nijhoff.
- Cutler, I. (1996). *The Jews of Chicago: From shtetl to suburb*. University of Illinois Press.
- Donin, R. H. H. (1972). *To Be A Jew*. New York: Basic Books.

- Dosick, W. (2010). Living Judaism: The complete guide to Jewish belief. *Tradition, and Practice*, 249-251.
- Eisenberg, R. L. (2020). *Jewish traditions: JPS guide*. U of Nebraska Press.
- Jewish Teen Funders Network. (2018). Maimonides eight degrees of Tzedakah (PDF).
- Katz, D. (2004). *Lithuanian Jewish Culture*. Vilnius, Lithuania: Baltos Lankos.
- Kendall, H. (1948). *Jerusalem, the City Plan: preservation and development during the British mandate, 1918-1948*. HM Stationery Office.
- Kohler, K. (2018). Alms. *Jewish Encyclopedia*.
- Leigh Brown, P. (1998). *Grandma's house gets guided tours*. The New York Times.
- Picciotto, M., & Bekhor, S. (2009). *Tzedakà: Giustizia o Beneficenza?*. Mamash, Milano.

استناد به این مقاله: قرخلو نره‌ای، نوابه، سامی، محمدجواد، و قاسمی، محمدرضا. (۱۴۰۴). تطبیق حقوق انتفاعی و مالی قوانین ایران با احکام دین یهود. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۵(۱)، ۶-۲۴.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.